

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد
بدین بوم ویر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

نعمت الله مختارزاد
شهر اسن – المان
۱۱ نومبر ۲۰۰۹

شکوه ۷۲

(۱۰) در افغانستان :

{ ه }

یک خبر خیلی بد و ، جالبست
گوش فرا ده ، هنر طالبست
شخص و طندوست زمغرب زمین
کرده وصیت به پسر ، اینچنین
وای عجب ، خواهش انسان نگر
مؤمن و هم مسلم افغان نگر
خواهشی دارم ز تو ، جان پدر
مردۀ من ، جانب میهن بپر
هم کفن و دفن نما در وطن
روح پدر شاد نما جان من
وای عجب ، خواهش انسان نگر
مؤمن و هم مسلم افغان نگر
مرد پدر ، بُرد پسر مرده را

سوی وطن خاطرِ افسرده را
خواست ، کند دفن که طالب رسید
او ، کفنِ مرده ، به دستش درید
وای عجب ، طالبِ افغان نگر
دُرّه و شلاق ، به بیجان نگر
گفت ! جسد ریش ندارد چرا؟
حُکمِ شریعت بنمایم ادا
دُرّه و شلاق زد هفتاد و چار
بر جسدِ مرده بیمار و زار
وای عجب ، طالبِ افغان نگر
ظلم به هر مرده و بی جان نگر
بعد ، بگفتی به پسر اینچنین
دفنِ پدر خواهی اگر در زمین
مبلغِ گزاف به طالب بده
جرمِ جسد ، بهرِ مثالب بده
وای عجب ، طالبِ افغان نگر
مرده ز جورش شد هراسان نگر
مرده بی ریش ، به خندق شود
حرق شود ، یا که معلق شود
چونکه تو ، باریشی ، بپرداز نقد
جرم و جریمه ، همه بنمای فقد
وای عجب ، طالبِ افغان نگر
مرده ز جورش شد هراسان نگر

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

شکوه ۷۳

(۱۰) در افغانستان :

{ و }

عاقبتش ، این بود ای جان من
مردۀ هرکس که رود در وطن
زنده اگر رفت ، چه خواهد چشید
موی سر حتماً ز کف پا کشید
وای عجب ، عالم انسان نگر
عالم حیوان شده حیران نگر

بقیه دارد